

# بررسی یک پرییت بحر

دکتر غلامرضا گودرزی \*

یافت معماری شهر، جاذبه‌های گردشگری، وجود اشرا در منطقه، شرایط بد اقتصادی مردم منطقه و کشته شدن بسیاری از مسؤلین شهر در اثر زلزله، ویژگی‌های خاص زلزله بم بود که به آن ابعاد جهانی داد. در چنین حادثه‌ای مدیریت بحران حرف اول را می‌زند. نگارنده مقاله، با ذکر این نکته که هدف از مدیریت بحران زلزله بم، اصلاح آن در بحران‌های آتی می‌باشد، با نگاه کارشناسی نقاط ضعف و قوت مدیریت بحران در زلزله بم را بررسی نموده و در پایان پیشنهادهایی را برای مطالعه دقیق‌تر جوانب مختلف این حادثه و عبرت‌آموزی از آن برای جلوگیری از پیدایش حادثه‌ای عظیم‌تر در تهران بیان می‌دارد.

فصلنامه تخصصی

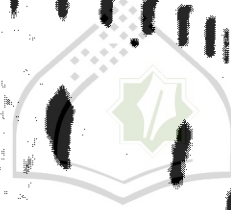
شماره ۱۳۱ / زمستان ۱۳۸۴

عضو هیأت علمی دانشکده معمار فاسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

# اورد آئینه زلزله بیم

اورد آئینه سلامت  
شماره ۱۱۳ / آبان ماه ۸۳

۱۹



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم زمین

**مقدمه**

سحرگاه روز جمعه ۸۲/۱۰/۵ بخش عمده‌ای از شهر بم در عرض دقیقی به ویرانه تبدیل گشت و حادثه‌ای مهیب در تاریخ ایران و اذهان جهانیان ثبت گردید. زلزله بم تا هفته‌ها به موضوع مهم رسانه‌های داخلی و خارجی مبدل شده و تیتروهای گوناگون صفحات نشریه‌ها و روزنامه‌ها را پر کرد. در این میان انواع تحلیل‌ها در حوزه‌های متفاوت در مورد این حادثه ارائه شد. اما مسیر حوادث آنگونه پیش رفت که انتظارش نبود. پس از چند هفته که از دفن بم در زیر خاک گذشت حساسیت آن هم در اذهان گم شد. بطوری که رهبر معظم انقلاب در دومین دیدار خود از بم به نوعی از رسانه‌ها گلّه‌مند شدند که حساسیت ویژه بم نباید فراموش شود. به راستی چرا نباید حساسیت بم را فراموش کرد؟

آنچه در حادثه بم بسیار نمایان بوده و مورد نقد کارشناسان و مردم نیز قرار گرفت مدیریت بحران حادثه بم بود. بسیاری سازمانهای مسئول را در این بخش ناکارآمد تلقی نمودند و گروهی بی‌نظمی، تعلل و کندی، اثربخشی پایین این حادثه را به کل نظام مدیریت کشور در عرصه‌های اقتصادی، صنعتی و ... تعمیم دادند.

اما در مقابل برخی نیز نظام مدیریت بحران را در این واقعه کارآمد شمرده و بر فزونی نقاط قوت بر نقاط ضعف تکیه داشتند. مقاله خاصی نگاهی دارد به مدیریت بحران در بم با ذکر این تذکر مهم که:

- ۱) در تحلیل نیاید از میزان و عمق فاجعه بم غافل بود.
- ۲) مقصود از نقد مدیریت بحران در بم بدگویی از افراد یا گروهها و سازمانها نیست. بزرگ‌نمایی مشکلات و یا به چالش طلبیدن مجموعه نظام مدیریت کشور نیست که اگر اینها هدف باشند هر تحلیلی را به خطا خواهد برد. هدف بررسی همه جانبه حادثه (در حد یک مقاله) با تاکید بر نقاط قوت و ضعف بمنظور اصلاح در بحرانهای آتی است.

**ویژگی‌های حادثه بم:**

چند سال پیش حوادثی نظیر بم (البته نه در ابعاد آن) در کشور اتفاق افتاده بود از زلزله‌های منجیل و

**رودبار تا قزوین.**

اما هیچکدام ابعادی چون بم نیافت، چرا؟  
 ۱) از نظر زمین‌شناسی نوع زلزله بم به دلایلی چون در سطح بودن، بافت زمین‌شناسی منطقه، بافت معماری شهر و روز و ساعت وقوع، متفاوت از زلزله‌های مشابه و مخرب‌تر بود.

۲) جاذبه‌های گردشگری و آشنایی بسیاری از مردم جهان با آثار تاریخی (بویژه ارگ بم) باعث شده تا بم جزو شهرهای مهم گردشگری در ایران باشد. همین عامل تاحدی به جهانی شدن حادثه بم کمک کرد.

۳) تعداد تلفات، خرابی بیش از ۷۰٪ شهر که عملاً به معنای نابودی یک شهر بر اثر زلزله است از لحاظ روانی بیشترین اثر را در شکل‌گیری رسانه‌ای حادثه بم داشت.

۴) موقعیت مکانی شهر بم که در خط سیر باندهای قاجاق کشور بوده و از دیرباز نیروهای انتظامی، امنیتی و مردمی در شهر و اطراف آن با کاروانهای قاجاق مواد مخدر درگیر بودند، باعث شد تا وقوع زلزله حساسیت امنیتی منطقه را دوچندان کند.

۵) وجود اشراری در منطقه که پیش‌تر با گروه‌های گوناگونی مردم و گردشگران سعی در تخریب چهره منطقه و کسب درآمد ناشروع داشته و همواره مترصد میدان تازه‌ای برای اقدامات خود بودند باعث شد تا فرصت پیش‌آمد، را مغنم شمرده و سعی در بهره‌برداری از زلزله بم نمایند.

۶) شرایط بد اقتصادی مردم منطقه و روستاهای اطراف بدلیل خشکسالی چند ساله در منطقه و بحرانهای اقتصادی مردم باعث شد تا پس از زلزله بسیاری جهت استفاده از جو بدست آمده راهی شهر بم شوند بطوریکه برخی از گزارش‌ها حاکی از آنست که جمعیت بم پس از حادثه ۲ برابر شده است (۱)

۷) در اثر این حادثه طبق گزارش رسانه‌ها تقریباً اکثر مدیران بومی در بخش‌های مختلف بر اثر زلزله کشته شدند. لذا به یکباره شهر سکان مدیریتی خویش را از دست داده و وخامت این حادثه تشدید شده است.

زلزله یکی از انواع بحرانهای طبیعی است. که هر از چند گاهی بخشی از جهان را فرا می گیرد. سرعت، حجم و ابعاد تخریب ناشی از زلزله، آثار جنبی خرابی مانند قطع راهها، برق، گاز، خطوط ارتباطی و غیره به همراه تلفات انسانی بالا از مهمترین ویژگیهای زلزلههای شدید است.

بروز مسائل امنیتی گردد. از اینرو معمولاً نیروهای مسلح کشور بایستی با سرعت و حساسیت اقدام به ایجاد کمربند امنیتی در حوزه مورد نظر کنند.

**۳) عملیات اسکان:** پس از ساعات اولیه حادثه که معمولاً افراد در شوک ناشی از وقوع زلزله به سر می برند، مسأله اسکان بازماندگان مطرح می شود. این اسکان در ابتدا بصورت موقت خواهد بود که عمدتاً از چادر بهره گرفته می شود و بتدریج از اتاقک مجهز استفاده می شود.

توزیع سریع، برنامه ریزی شده و منسجم امکانات اسکانی در این مقطع بسیار حساس است.

**۴) عملیات امدادرسانی:** حوادث ناشی از زلزله دارای آثار بسیار مخرب روانی بر افراد است. از دست دادن بستگان، هراس از آینده، خلاء ناشی از نابودی ناگهانی امکانات و اموال و مشاهده صحنه های دلخراش برخی از این آثار هستند. در این مرحله حساسیت برخورد با افراد از نظر روانشناسی بسیار مهم و ظریف است.

**۵) عملیات پشتیبانی:** شامل فراهم نمودن امکانات اولیه مورد نیاز مردم، توزیع مناسب آنها، رساندن غذای گرم، مایحتاج مصرفی و دارویی، توزیع مناسب، کارآمد و عادلانه اقلام از ویژگیهای این مرحله است.

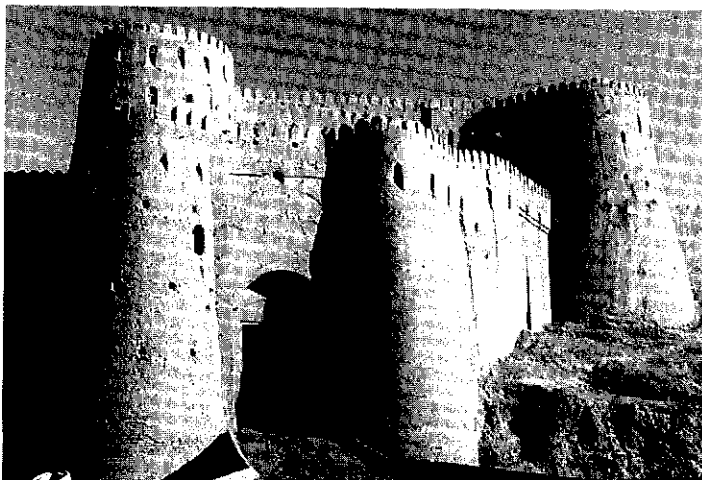
۸) ابعاد فاجعه و خاصه ابعاد رسانه ای آن بحدی زیاد بود که ناخواسته سیل خروشان از کمکهای مردمی را به سمت بم روانه داشت. هجوم غیرساختارمند و کنترل شده کمکهای مردمی و حضور مردم در شهر و اطراف آن و راههای ارتباطی علی رغم نکات فراوان ارزشمند نهفته در آن بر ابعاد بحران افزود. هر چند که نباید از انصاف دور داشت که اگر این کمکها نبود مدیریت بحران بسیار سخت می شد لیکن مقصود ناهماهنگی در ارسال کمکهاست نه اصل همیاری مردم.

#### مدیریت بحران در زلزله:

زلزله یکی از انواع بحرانهای طبیعی است. که هر از چند گاهی بخشی از جهان را فرا می گیرد. سرعت، حجم و ابعاد تخریب ناشی از زلزله، آثار جنبی خرابی مانند قطع راهها، برق، گاز، خطوط ارتباطی و ... به همراه تلفات انسانی بالا از مهمترین ویژگیهای زلزلههای شدید است. به همین علت، ابعاد بحران پس از وقوع زمین لرزه به سرعت گسترش یافته و نیازمند بکارگیری روشها و اصول مدیریت بحران است. بطوریکه در یک زلزله برای کنترل بحران علاوه بر مواردیکه در تمامی بحرانها به شکل عمومی بایستی رعایت نموده و از اصول عمومی مدیریت بحران می باشند، عملیات ذیل صورت می گیرد:

**۱) عملیات امداد و نجات:** در این مقطع که علی القاعده بایستی در لحظات اولیه صورت گیرد هدف نجات جان مصدومین و افرادی است که در زیر آوارها گرفتار هستند. ویژگی مهم این مرحله سرعت عمل و دقت در عملیات امدادی است، زیرا بعضاً عدم دقت در نجات فرد گرفتار باعث می شود تا صدمات بیشتری به وی وارد گردد.

**۲) عملیات امنیتی:** معمولاً در زلزلههای شدید به دلیل خرابی خانهها، بانکها، مغازهها و ... امکان سوءاستفاده و هرج و مرج بالاست از سوی دیگر هجوم مردم عادی جهت امدادرسانی نیز علاوه بر خطرات برای خود آنها و مصدومان می تواند باعث



اصلی‌ترین نقطه ضعف مدیریت بحران در زلزله بم را باید در عدم تمرکز مدیریت بحران دانست، وجود سازمان‌های متعدد در شأن تصمیم گیرنده، تداخل وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های آنها، فقدان نظام ارتباطی قوی برخی از نشانه‌های عدم تمرکز یاد شده است.

۶) **عملیات لجستیک:** حمل و نقل در یک حادثه زلزله از چند نظر مهم است: اولاً معمولاً شریانیهای ارتباطی قطع است، لذا از راه‌های معمولی امکان سامان دادن عملیات دیگر نیست.

ثانیاً سرعت عمل در بسیاری از مراحل قبلی سرنوشت‌ساز است، لذا راه‌های هوایی و استفاده از امکانات ناوبری نیروهای مسلح در اولین ساعات حادثه بسیار حیاتی است.

۷) **عملیات رسانه‌ای:** ابعاد یک حادثه مادامی که در آئینه رسانه‌ها مطرح نگردد مورد غفلت بوده و بسیاری از مراحل مذکور پس از بعد رسانه‌ای بحران سرعت، نظم و جریان می‌یابند به همین دلیل عملیات رسانه‌ای و گزارش دهی منظم از روند امور بسیار مهم است.

۸) **عملیات اطلاع‌رسانی:** اطلاعات بیشتر تصمیم‌گیری است و در این بین حساسیت آن افزون می‌گردد، آمار تلفات، نیازمندیها و ... مواردی است که سریع، مطمئن و قابل اتکاء باید تهیه شود تا جلوی شایعه را بگیرد.

حال باتوجه به نکات فوق نگاهی گذرا داریم بر ابعاد مدیریت بحران در زلزله بم این بخش در دو قسمت نقاط قوت و ضعف خواهد آمد.

**نقاط قوت:**

**۱) ابعاد رسانه‌ای؛**

یکی از نقاط قوت مدیریت بحران زلزله بم ابعاد رسانه‌ای آن بوده است بجز ساعات اولیه که هنوز حساسیت و ابعاد مساله ناگفته و ناشناخته بود عملاً صداوسیما، مطبوعات و رسانه‌های داخلی و خارجی بیشترین نقش را در بسیج مردم، ایجاد انگیزش مضاعف در دستگاههای مسئول و انعکاس نقاط قوت و ضعف عملیات در بم داشتند.

**۲) کنترل سریع اوضاع؛**

با توجه به ابعاد آن، نکاتی که پیشتر در خصوص حادثه بم بیان شد از نقاط قوت بحران بم بود، بطوری که یک شهر مخروبه پس از چند روز دوباره جان گرفته و اوضاع در حد قابل قبولی قرار گرفت.

البته طبیعی است حجم و عمق حادثه بحدی بود که تصور آن جز برای کسانی که از نزدیک بم را پس از زلزله دیده‌اند. قابل درک نبوده لذا بخش سرعت کنترل باتوجه به فاجعه قابل قبول بوده این مطلب در برخی گزارشهای امدادگران خارجی نیز مطرح شده است.

**۳) حضور مسئولین بلندپایه نظام؛**

حضور مسئولین بلندپایه نظام در روزهای اولیه حادثه و مدیریت در صحنه نیز نکته مهم و قابل توجهی بود، بویژه بازدیدهای مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهوری بسیار روحیه بخش و اثربخش بوده است.

**۴) عملیات لجستیک؛**

عملیات لجستیک بخصوص در بعد هوایی آن بسیار خوب بود و سرعت تعمیر فرودگاه بم با استفاده از امکانات نیروهای مسلح هرچند با کمی تاخیر اما اثربخش صورت گرفت.

**نقاط ضعف:**

قبل از آنکه نقاط ضعف مدیریت بحران بم را مطرح نماییم باید متذکر شد که:

اولاً بیان نقاط ضعف بمنزله چشم‌پوشی زحمت عظیم و تلاش والای افراد نیست بلکه جهت تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف است.

ثانیاً برخی از این موارد مختص حادثه بم و برخی قبل از این حادثه هستند.

۱) ایران یکی از کشورهای حادثه‌خیز (بویژه سیل، زلزله) است. آینده‌نگری در این خصوص حکم می‌کند که یک ستاد فعال حوادث غیرمترقبه با دستورالعملها، امکانات و بودجه مناسب با محوریت واحدهای درگیر و عملیاتی (اصطلاحاً در صحنه) بطور آماده در کشور حضور داشته باشند. بطوریکه امکانات و وسایل موردنیاز برای امداد و نجات، اسکان و ... در چندین منطقه حاضر بوده و در اسرع وقت به منطقه ارسال گردد. این درحالی است که برخی از کشورها حتی هواپیماهای حمل و نقل مجهزی دارند که در آنها چادر، دارو ... آماده و از قبل بارگیری شده تا

یکی از مهمترین نقاط ضعف زلزله بم توزیع امکانات پس از حادثه بود. بطوریکه در بازدید مقام رهبری بطور ناآشناس طبق آنچه در مطبوعات منعکس شد گلایه مردم از عملیات پشتیبانی بود.

گروه تخصصی  
شماره ۱۱۱ - ۱۱۱۱۱۱۱۱

۳۳

۴) عملیات امنیتی با توجه به حساسیت منطقه کفایت نکرد هر چند که سریعاً با حضور مقامات امنیتی و انتظامی آرامش نسبی بر منطقه حاکم شد، لیکن بهتر است در چنین شرایطی قوه قضائیه با توجه به عمق حادثه و جلوگیری از هرج و مرج و سوءاستفاده سریعاً با راه اندازی دادگاهی حاضر در منطقه با متخلفان به شدیدترین شکل برخورد می کرد.

۵) امکانات نامناسب مردم در روزهای اولیه از جمله نقاط ضعفی بود که توسط برخی از مسئولین محترم نیز مورد اعتراض قرار گرفت، تاخیر در رساندن چادر به منطقه، برپایی اردوگاه در محل دورتر از شهر از جمله نقاط ضعف اولیه بود که البته با تدبیر انجام شده بهبود یافت.

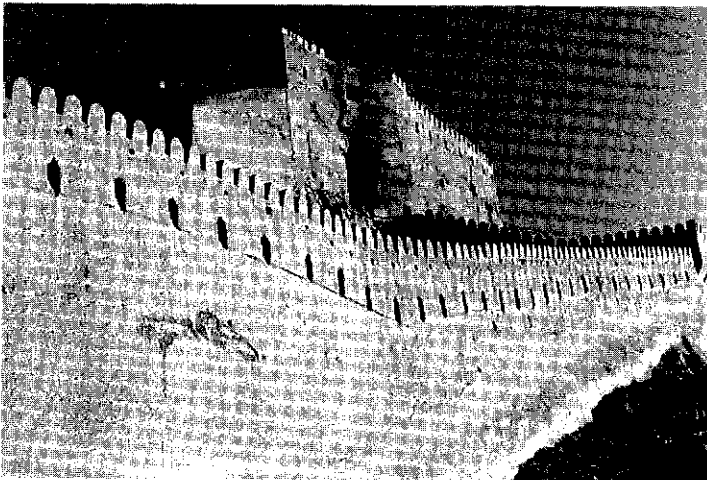
۶) اگر همدردی، مساعدت و حضور معنادار مردم به مسئولان و کشورهای مختلف را بخشی از عملیات امدادروانی بدانیم باید گفت که از این نظر (همانطور که پیشتر بیان شد) نقطه قوتی داشت اما آنچه مهم است تداوم این عملیات است که متأسفانه پس از چند روز کم رنگ شد بطوریکه مقام معظم رهبری در اولین دیدار خود از بم نسبت به آن گلایه نمود و خواستار آن شد تا حساسیت بم فراموش نشود.

۷) یکی از مهمترین نقاط ضعف زلزله بم توزیع امکانات پس از حادثه بود، بطوریکه در بازدید مقام رهبری بطور ناآشناس طبق آنچه در مطبوعات منعکس شد گلایه مردم از عملیات پشتیبانی بود.

در صورت وقوع حادثه زمان زیادی صرف بارگیری نشود. در این خصوص متأسفانه هر چند بصورت ظاهری ستادهای مربوطه در کشور وجود دارند اما در عمل مدت زمان زیادی طول می کشد تا این ستادها فعال شده، امکانات شناسایی شده، بارگیری و در صحنه حاضر شوند. ضمن اینکه معمولاً محسوریت و مدیریت ستاد و خاصه بودجه های مربوطه در اختیار نیروهای در صحنه نیست بلکه سازمان دیگری که بیشتر نقش تصادفی و یا هماهنگی های کلان را دارد متولی می شود.

۲) عملیات اطلاع رسانی در حادثه بم بسیار ضعیف بود، بطوری که آمار ضد و نقیض، در موارد متعددی اعلام می شد، که بسیاری از نمونه های آن در اذهان باقی مانده است. البته طبیعی است برآورد تلفات مالی و انسانی و یا درصد خرابی دقیق در ابتدا ممکن نیست اما در حادثه بم ضعف اطلاع رسانی بویژه در روزهای اولیه بحدی بود که برخی اوقات اخبار کاملاً متناقض منتشر می شد بعنوان نمونه در حالیکه یک شبکه تلویزیون از قول یک منبع کمک رسانی اطلاع از تکمیل انبارها و عدم نیاز به ارسال چادر، پتو و دارو می کرد، شبکه دیگر از قول منبع دیگری درخواست ارسال چادر و پتو می نمود. یا هنوز پس از گذشت بیش از یکماه از حادثه هنوز بطور رسمی آمار تلفات ذکر نشده است.

۳) عملیات امداد و نجات با ضعفهای اساسی روبرو بود علت آن را می توان در موارد متعددی برشمرد که ذکر آن خارج از حوصله این مقاله است اما پس از گذشت ۲ روز هنوز مردم مجبور بودند از دست و یا وسایل اولیه برای خاک برداری بهره جویند و ماشین های خاکبرداری با تاخیر قابل ملاحظه ای وارد میدان شدند. تاخیر در عملیات نجات که حتی در آن تفاوت بین یک مرده با یک مصدوم و یا یک انسان سالم به کوتاهی چند ثانیه است، در حادثه بم بسیار چشمگیر بود و به خاطر بی نظمی در این عملیات و عدم سازماندهی مناسب آن ابعاد مسأله را پیچیده تر نمود.



۸) احساسی برخورد کردن بجای منطقی رفتار نمودن در برخی مواقع از ویژگیهای حادثه بسم بود. بعنوان مثال در عملیات مربوط به مدیریت بحران در زلزله برخی از مسئولین بعلت نقش کلیدی در صحنه عملیات، بایستی شخصاً در منطقه حضور یافته و عملیات مربوط به حوزه خود را رأساً مدیریت کنند. در عوض برخی از مسئولین بعلت هماهنگی های جانبی (البته مهم) بایستی در خارج از منطقه بوده و از قدرت و امکانات خود در مرکز بهره گرفته و عملیات مربوط به حوزه خود را در صحنه به معاونین واگذار کنند این از مواردی است که باید در دستورالعمل های بحران از قبل معلوم شده باشد تا معلوم گردد کدام مسئولین سریع به منطقه بروند و کدامیک در تهران عملیات را هدایت کنند، در حالیکه بنظر می رسد برخی از مسئولان صرفاً از روی احساس وظیفه و حساسیت شخصاً به بسم رفتند و خلاء حضور آنها در تهران (بویژه در دسترس نبودن آنها برای ارتباطات در برخی از مواقع) عملیات را با مشکلاتی مواجه داشت.

۹) زلزله غیرقابل پیش بینی است و هنوز هم کسی در جهان پیدا نشده است که مدعی پیشگیری آن باشد اما وقوع برخی حوادث می تواند دال بر نزدیکی آن باشد. طبق گزارشها قبل از وقوع حادثه بسم از چند روز پیش و حتی در شب حادثه لرزه هایی در شهر بوده و حتی مردم بعضاً نگرانی نیز داشته اند، آگاهی از این مطلب، حساسیت نسبت به آن و مطلع نمودن مردم هرچند ممکن بود توأم با خطا باشد (مانند مسجد سلیمان بعد از حادثه بسم) اما حداقل می توانست از تلفات انسانی زلزله بکاهد. بنظر می رسد گسترش شبکه های لرزه نگاری در کشور می تواند در این امر مفید باشد.

۱۰) اصلی ترین نقطه ضعف مدیریت بحران در زلزله بسم را باید در عدم تمرکز مدیریت بحران دانست. وجود سازمانهای متعدد در شأن تصمیم گیرنده، تداخل وظایف، اختیارات و مسئولیتهای آنها، فقدان نظام ارتباطی قوی (مانند یک سیستم پشتیبان تصمیم گیری کارآمد برای

بحران)، تفکیک بین صاحبان منابع مالی و مسئولین حل بحران در صحنه اجرا (اعتبار در اختیار عمدتاً وزارت کشور و انتظارات عمدتاً از سازمان هلال احمر)، برخی از نشانه های عدم تمرکز یاد شده است. در حالیکه یک مدیریت واحد که هم در صحنه عمل و هم در صحنه اعتبارات مؤثر است باید کنترل تمامی امور را بدست گرفته و عمل کند. این نکته در تذاکرات مقام معظم رهبری و مصاحبه ریاست محترم جمهوری مورد اشاره بود. حتی بیم آن می رفت تا این نقصان در بازسازی بسم نیز تاثیر گذار شود که با تشکیل ستاد ویژه و تعیین مسئول مشخص میزان هماهنگی ها بیشتر شد.

۱۱) کمبود و ناکارآمدی وسایل امداد و نجات نیز نقطه ضعف دیگری است که باید اشاره شود. در حال حاضر در جهان تیم های امداد و نجات کاملاً مجهز به امکانات و وسایلی هستند که در روند عملیات آنها و مسیر حل بحران تاثیر دارد (بویژه با رعایت این نکته که در زلزله یک ثانیه نیز ارزش دارد) (سگ های زنده یاب، دستگاه های زنده یاب، وسایل خاک برداری، وسایل اولیه امداد رسانی، ژنراتور برق، چادرهای مجهز و ... برخی از این موارد که در تیم های خارجی مستقر در بسم مشاهده می شود، اما جای برخی از آنها در تیم های داخلی ناقص است. حتی جالب است که برخی از تیم های خارجی اعزامی به بسم پیش از سفر با انجام مطالعه سریع بدون اطلاع رسانی قبلی، تمامی مایحتاج حضور مؤثر خویش (از نظر امداد رسانی به مصدومان و خدمات رسانی به امدادگران) را با توجه به شرایط اقلیمی، محیطی و بحرانی منطقه بسم (نه بطور کلی مناطق زلزله زده) به همراه داشتند.

۱۲) در زلزله اغلب افراد احساسی رفتار می کنند، وجود مدیران کارآمدی که از قبیل آموزشهای مدیریتی لازم را دیده باشند و بتوانند مجموعه عملیات را هدایت کنند و عملاً با سوء مدیریت برابعد آن اضافه نکنند از اهمیت خاصی برخوردار است. هرچند تلاشهای هلال احمر در برگزاری آموزشهای ویژه مفید بوده لیکن در

مجموع از بررسی گزارش‌ها و مصاحبه با دست‌اندرکاران این قرینه بدست می‌آید که کمبود افرادی که توان مدیریت بحران (اداره تیم‌های کوچک امداد رسانی، پشتیبانی و...) را داشته باشند و تحت یک مرکزیت واحد عمل کنند مشهود بوده است.

### جمع‌بندی و پیشنهادها

زلزله بم حادثه‌ای غم‌انگیز بود که واقع شد و البته آخرین مورد آن در ایران و جهان نخواهد بود. عملکرد مدیریت بحران در این حادثه از دو حیث قابل بررسی است اگر فارغ از ابعاد و ویژگی‌های بم به موضوع نگریسته شود مدیریت بحران زلزله در بم عملکرد نامناسبی داشته است. اما زمانیکه ابعاد حادثه نیز در قضاوت لحاظ می‌شوند باید اذعان داشت عملکرد مجموعه مدیریت بحران تاحدی مناسب بوده. البته ارزیابی نهایی در حد این مقاله نیست و نیازمند مطالعه بیشتر توسط مسئولان است. اما پیشنهاد می‌شود که:

(۱) مطالعه علمی و دقیقی در خصوص مدیریت بحران در زلزله بم با هدف ریشه‌یابی مشکلات قبل از حادثه (مانند پاسخ به این سوال که چرا یک شهر با یک زلزله حدوداً ۷ ریشتری ویران می‌شود و نقش سازمانهایی چون شهرداری، وزارت مسکن و... در ایمن‌سازی چیست؟)، معضلات حین عمل و ناهماهنگی‌های بعد از اتمام عملیات امداد و نجات و شروع بازسازی انجام شود.

(۲) در هر عملیات متولی شخصی تعیین شده و همگی در نظارت، مدیریت یک نهاد تصمیم‌گیرنده عمل نموده و انتظارات، پاسخگویی و اعتبارات متوجه این نهاد بوده و سایرین وظیفه اجرا داشته باشند.

(۳) ضعف‌های نظام امداد و نجات (اعم از ساختاری و ابزاری و حتی مسائل فرهنگی) بصورت یک چک لیست طراحی شده و برنامه‌های آموزشی، مقاوم‌سازی، فرهنگ‌سازی و ارتقای سطح دانش فنی در عملیات امداد و نجات با

عمق‌دهی و پرهیز از حرکات شعاری و نمایشی انجام شود. در این راه مطالعه الگوهای خارجی و الگوبرداری (نه کپی‌سازی) از مدل‌های موفق جهانی می‌تواند بسیار مهم باشد.

(۴) به یاد داشته باشیم که زلزله تهران با ابعادی به مراتب وسیع‌تر هر لحظه ممکن است حادث شود. زلزله‌ای که می‌تواند امنیت کل کشور را به خطر انداخته و اثرات جبران‌ناپذیری را بر کشور تحمیل کند. لذا جدی گرفتن خطرات حوادث غیرمترقبه آنهم در ایران بسیار حساس است.

زلزله بم در هر صورت تمام شد هر چند که بازسازی بم، از لحاظ شهر بم، مردم بم، جوانان، کودکان و کلیه بازماندگان کاری دشوارتر و حساستر است که هنوز باقی است. اما زلزله فقط یکی از جنبه‌های مدیریت بحران است. زلزله بم می‌تواند یک هشدار برای همه ما و مسئولان باشد که حوادث دیگری با ابعاد به مراتب بیشتر ممکن است هر لحظه فرار کنند. این حوادث و زلزله‌ها فقط در ابعاد مادی و جنبه‌های سیل و زلزله و... منحصر نیست اگر امروز زیرساخت‌های نامطمئن و غیرمقاوم ساختمانهای بم تاب تحمل زلزله ۷ ریشتری را نداشت آیا زیرساخت‌های فرهنگی و اعتقادی مردم و جوانان، اقتصاد و مدیریت، سیاست و قضاوت و به یک معنا نظام را آنچنان محکم نموده‌ایم که نگران زلزله‌های مخرب دشمنان قسم خورده انقلاب نباشیم و آیا آنچنان دیوارها و پایه‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی را با وحدت و یکدلی ایمن نموده‌ایم که در لغزشگاه‌های آتی استوار بمانند؟ آیا به واقع همگی ما فارغ از مسئولیت و پست و مقام خود هشدارهای ولایت را در مورد تهاجم فرهنگی، حفظ وحدت ملی، پرهیز از مناقشات خسته‌کننده سیاسی، استعانت از ایمان الهی و قرآن کریم، انس با امامان، ساده‌زیستی، جنبش نرم‌افزاری، کار و تلاش و خدمت‌رسانی را سرلوحه امور خود قرار داده‌ایم؟ ان‌شاءالله که به واقع اینگونه‌ایم.